



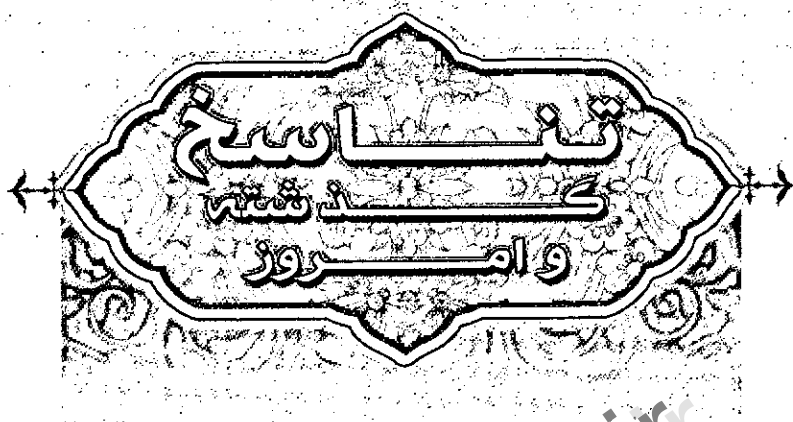
موحدیان عطار، علی / ۱۳۴۰ -
تناسخ، گذشته و امروز/ مولف علی موحدیان عطار - قم: انتشارات دانشگاه ادیان و
مذاهب، ۱۳۹۳.

۲۲۸ص. - (انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ۱۲۳)
ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۰-۱۸-۹

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. ۲۲۲-۲۲۸ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. تناسخ. الف. انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب. ب. عنوان
۱۳۹۳
ت ۹ م ۵۱۵/م BL

۱۳۳/۹۰-۱۳۵

کتابخانه ملی ایران ۳۵۵۷۴۸۹



علی موسوی عطار



امشارات

دانشگاه ادیان و مذاهب

پژوهشگاه ادیان و مذاهب



انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

پژوهشگاه ادیان و مذاهب

۱۲۳

تناسخ، گذشته و امروز

- مؤلف: علی موحدیان عطار
 - ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
 - تهیه: پژوهشگاه ادیان و مذاهب
 - طراح جلد: غلامرضا موحدیان عطار
 - نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۳
 - چاپ: نگارش
 - شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 - قیمت: ۹۰۰۰ تومان
 - شابک: ۹-۱۸-۶۷۲۰-۶۰۰-۹۷۸
- حق چاپ و نشر محفوظ است.

قم: پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق(ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۱۳ - ۰۲۵) ۳۲۸۰۲۶۱۰، نمابر: ۰۲۵) ۳۲۸۰۳۱۷۱

www.urd.ac.ir press@urs.ac.ir www.adyan-eshop.ir

به نام آن که جان را فکرت آموخت

دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم با یک ویژگی از همه دوران‌ها متمایز می‌شود، و آن عرفی شدن همه‌چیز، از علم گرفته تا دین و فلسفه است. مراد از عرفی شدن، نه الزاماً سکولار شدن، بلکه به معنای دقیق کلمه، یعنی بیرون آمدن از مدرسه، و افتادن بر سر بازار آراء و انظار غیر اهل فن است. تناسخ که در زمانی بود در صدر مباحث معنوی ادیان شرقی جای داشت، و یاد آن همچون مادی برای مسلمانان و مسیحیان، مو بر تن هندوان و بوداییان راست می‌گردد، اکنون در جهان موضوعی صرفاً جالب توجه و تفریحی، دست به دست می‌گردد و هر کسی با هر بضاعتی خود را برای رأی و نظر در باره آن شایسته می‌بیند. آنچه در این میان کمتر بها داده می‌شود، رأی ارباب دین و دانش بوده، و اگر هم بهایی به این سوی اشاره داده شود، بیشتر برای یارگیری به نفع رأی خود پسندیده است. در این وضاع غریب، راندن سخنان مبنایی و اصولی در باره موضوعاتی مانند تناسخ، در عین ضرورت، بسیار دشوار و کم‌اثر شده است، و به جای آن، نقل تجربه‌های احياناً بی‌منا و بی‌پایه، هم عالمانه‌تر می‌نماید و هم موثرتر می‌افتد.

نوشتاری که پیش رو دارید کوششی است برای پیوند دادن میان گذشته و اکنون این ماجرا. نویسنده این اثر، با دارا بودن پیشینه مطالعات ادیان شرق و مطالعات اسلامی بهره می‌برد، کوشیده است تا موضع تناسخ را پس از ایضاح، هم از منظر گذشتگان و هم از چشم‌انداز ابنای این زمانه مورد بررسی قرار دهد.

یک ویژگی مهم و شاید انحصاری این جستار، باز کردن اصل موضوع، یعنی ایضاح مفهوم تناسخ و بیان گوناگونی مفهومی و مصداقی این فکرت است. در این اثر، پیش از هر بحثی در باره تناسخ انواع تصورات و فکرت‌هایی را که در این باره وجود دارد و یا حتی می‌تواند وجود داشته باشد، در معرض آگاهی خواننده نهاده و حتی آن را به ابزار نمودار صورت‌بندی کرده است. علاوه بر این، مصادیق مختلف باور به تناسخ را تا جایی که مجال بوده، از یونان باستان تا رویکردهای تجربی جدید، برشمرده و شرح داده است، تا از چشم‌انداز این بسط و تفصیل، بهتر بتوان فضای مه‌آلود بحث تناسخ را به‌اندیشه نشست.

کار دیگری که این اثر به آن همت گماشته، پاسخ به پرسش‌هایی است که برای همین اذهان عرفی در باره تناسخ رخ می‌دهد، به‌ویژه این پرسش که بالاخره اسلام حریص، که ما در فضای معنوی و فکری آن زیست می‌کنیم، با فکرت تناسخ می‌سازد یا نه؟ و برای این منظور، با در نظر گرفتن همان ویژگی‌های ذهن عرفی، و بدون تعصب‌های کلامی و فلسفی سنتی، به پاسخی قاطع و روشن دست یافته و آن را برای خوانندگان فراپیش نهاده است.

در این مجال جای دارد به عنوان ناشر این اثر ارزنده، دکترش نویسنده آن، آقای دکتر علی موحدیان عطار، را ارج نهاده و برای ایشان توفیقات بیشتری را برای خدمت به پایه‌های دین و فرهنگ این سرزمین آرزو کنیم.

معاونت پژوهشی دانشگاه ادیان و مذاهب

فهرست

۱۳.....	پیش‌گفتار:
۲۱.....	مقدمه
۲۷.....	رویکرد این جستار
۲۹.....	پرسش‌های اساسی در باب تناسخ
۳۱.....	بخش یکم: تناسخ چیست؟
۳۶.....	مقایسه تناسخ و معاد
۳۹.....	پیچیدگی‌های تناسخ
۴۳.....	اصطلاح‌شناسی تناسخ
۴۳.....	Metempsychosis
۴۴.....	Transmigration
۴۴.....	Reincarnation
۴۴.....	Samsara
۴۵.....	زادمرد
۴۵.....	تقمُّص
۴۵.....	دونادون
۴۶.....	مفاهیم مشابه با تناسخ

۴۶..... Incarnation

۴۷..... رجعت

۴۸..... حلول

۴۹..... مسخ

۵۱..... تناسخ ملکوتی

بخش دوم: گونه‌های تناسخ‌باوری ۵۵

۵۷..... الف) اقسام تناسخ به لحاظ صور زندگانی پس از مرگ

۶۰..... ب) عدم تناسخ به لحاظ تناهی یا عدم تناهی فراگرد زادومرگ

۶۱..... ج) اقسام تناسخ به ملاحظه نسبت آن با آخرت (بهشت و دوزخ)

۶۱..... ۱) تناسخ قابل جمع با آخرت

۶۳..... ۲) تناسخ غیر قابل جمع با آخرت

۶۴..... د) اقسام تناسخ به لحاظ قدرت انتخاب روح

۶۵..... هـ) اقسام تناسخ به لحاظ جهت سیر روح

۶۷..... و) اقسام تناسخ به لحاظ وحدت یا تنوع ماده

۶۹..... ز) اقسام تناسخ به لحاظ فاصله بین دو زندگی

۷۰..... ح) اقسام تناسخ به لحاظ قابلیت جمع با حلول

۷۱..... ط) اقسام تناسخ به ملاحظه حمل آثار زندگی گذشته

۷۲..... ی) اقسام تناسخ به لحاظ امکان اجتماع چند روح در یک بدن

بخش سوم: تناسخ‌باوران ۷۳

۷۹..... تناسخ در مکتب فیثاغوری

۸۴..... تناسخ در آیین هندو

۹۶..... تناسخ در آیین بودا

۹۹..... تناسخ در آیین جینه

تناسخ در آیین سیک	۱۰۰
تناسخ در مذهب اهل حق	۱۰۶
تناسخ در مذهب نصیریه	۱۱۰
تناسخ نزد دروژی‌ها	۱۱۲
تناسخ در دین مانی	۱۱۴
تناسخ در مکتب اشراق	۱۱۶
تناسخ در رویکردهای جدید	۱۲۱

بخش چهارم: مخالفان تناسخ

تناسخ در بودیت	۱۲۹
تناسخ در مسیحیت	۱۳۰
تناسخ در اسلام	۱۳۱

بخش پنجم: کارکردهای تناسخ‌باوری

الف) کارکردهای نظری تناسخ‌باوری	۱۳۸
۱. ارائه تبیینی فهم‌پذیرتر از سرگذشت و سرنوشت روح	۱۳۸
۲. به دست دادن معنایی برای زندگی	۱۳۹
۳. اطمینان از رستگاری نهایی	۱۴۰
۴. توجیه سهل‌تری برای شرور	۱۴۱
۵. رقابت با ادیان ابراهیمی	۱۴۲
ب) کارکردهای عملی تناسخ‌باوری	۱۴۳

بخش ششم: دلایل باور به تناسخ

الف) دلایل عقلی محض (پیشینی)	۱۴۹
ب) دلایل تجربی (پسینی)	۱۵۴

ج) دلایل نقلی ۱۷۱

دلایل قرآنی ۱۷۲

دلایل روایی ۱۷۶

بخش هفتم: دلایل انکار تناسخ ۱۷۹

الف) دلایل عقلی ۱۸۱

ب) دلایل نقلی (در حوزه اسلام) ۱۹۷

دلایل قرآنی ۱۹۷

دلایل روایی ۲۰۱

عدم تناسب با نظام معرفت دینی اسلام ۲۰۸

مخالفت و دین با فهم عمومی مسلمانان ۲۰۹

بخش هشتم: نتایج ۲۱۳

کتابنامه ۲۲۲

پیش‌گفتار

از پرسش‌هایی که از گذشته تا امروز برای برخی متدینان رخ می‌نماید، و معمولاً با اشیاط آن را با یکی از معتمدانی فکر می‌کنند از معارف اسلامی آگاه باشد در میان می‌نهند، موضوع تناسخ است. معمولاً می‌خواهند بدانند آیا اسلام با تناسخ موافق است؟ یا که آیا می‌شود از آیات قرآن به نوعی تأییدی به نفع باور به تناسخ گرفت؟ بیشتر این پرسندگان از اینکه در منابع رسمی اعتقادات اسلامی تناسخ را مردود و اندیشه‌ای غیر اسلامی اعلام می‌کنند آگاهند، اما می‌خواهند بدانند که واقعاً اسلام با این عقیده مخالف است؟ و چرا؟ ایشان در ضمن پرسش گاهی بر این می‌کنند که شنیده‌اند یا خوانده‌اند که باور به اینکه روح انسان پس از مرگ دوباره در این جهان زاده می‌شود و در قالبی نو زندگی می‌کند (آنچه در اصطلاح به آن تناسخ می‌گویند) با اسلام و نیز با عقل نه تنها تضادی ندارد، بلکه آیات و روایاتی هست که نشان می‌دهد اندیشه تناسخ، اندیشه‌ای قرآنی و اسلامی است.

البته پاسخی که این پرسندگان معمولاً به اجمال دریافت می‌کنند این است که قرآن با تناسخ مخالف است، و در روایات نیز تناسخ را کفر دانسته‌اند، و در کلام اسلامی هم این عقیده را رد کرده و دلایل متعددی از عقل و نقل (آیات و روایات اسلامی) بر علیه این عقیده اقامه می‌کنند. حتی

ممکن است یکی دو کتاب را که به فارسی در این باره سراغ دارند به ایشان معرفی کنند. اما، چه بسا این پاسخ‌ها و آن کتاب‌ها حتی برای کسانی که مورد این پرسش قرار می‌گیرند، هم قانع‌کننده نباشد، که این وضعیت چندان بی‌وجه هم نیست؛ زیرا آنچه در کلام و فلسفه اسلامی در باره تناسخ می‌نویسند و می‌گویند و کتاب‌هایی که در این خصوص نوشته‌اند آن گونه که باید به موضوع پرداخته‌اند و آن قدر منطقی و همه‌جانبه نیست تا ذهن پرسش‌گر و متفاوت انسان امروز را اقناع کند.^۱

حقیقتی که معمولاً کمتر به آن توجه می‌کنند این است که برخی از این پرسندگان از زاویه‌ای با تناسخ مواجه شده‌اند که اصولاً نه کلامی است و نه فلسفی، بلکه رهیافتی تا حدودی تجربی و تا حدی عاطفی است. به همین سبب، در بین آنان معمولاً کسانی که به تازگی دچار مصیبتی طاقت‌فرسا شده‌اند و هنوز با درد رنج و تحیر ناشی از مصیبت کنار نیامده‌اند، بیشتر یافت می‌شود. برای اینکه ایران تناسخ‌بیندیشند شاید نیازی به شبهه‌افکنی کسی نباشد؛ صرف‌طرح موضوع تناسخ برای ایشان آن قدر جذاب و تأمل‌برانگیز جلوه می‌کند که آنان را وادار می‌کند باره پرس و جو کنند. گویا در این شرایط، طرح موضوع تناسخ ارواح می‌تواند مایه تسکین یا توجیهی برای آلام و مصایب روحی باشد. در این بین، سرآمدین به اسلام

۱. متأسفانه کمتر کتابی را می‌توان نشانی داد که به‌طور خاص به موضوع تناسخ پرداخته باشد و این موضوع را به‌طور همه‌جانبه، علمی، و به دور از تعصب بررسی کرده باشد. در این میان، کتاب ارزنده تناسخ از دیدگاه عقل و وحی، اثر محقق محترم، آقای محمدتقی یوسفی تا حدودی یک استثناست. اما، حتی اگر این کتاب را هم معرفی کنیم وضع برای کسانی که با این پرسش مواجهند تغییر نمی‌کند؛ زیرا این اثر نیز پس از بررسی فلسفی و نسبتاً جامعی که در موضوع تناسخ صورت داده است، به همین نتیجه اذعان می‌کند که دلایل عقلی و نقلی اقامه شده توسط فلاسفه و متکلمان در رد تناسخ، قانع‌کننده نیست، و البته می‌افزاید که دلیلی هم بر وقوع تناسخ وجود ندارد، یا اگر هست، آن آیات و روایات تنها می‌تواند بر وقوع موردی و استثنایی بازگشت روح به این جهان دلالت کند، نه بر تناسخ اصطلاحی. لازم به گفتن است، نگارنده این سطور از کتاب مذکور نیز در این جستار بهره برده است.

و قرآن، به حکم مسلمانی، در صدد برخواند آمد تا بداند این نظریه تا چه حد با دیدگاه‌ها و اعتقادات اسلامی موافق یا مخالف است.

این حقیقت را از آن جهت قدری به تفصیل نقل کردم که خواننده محترم را با واقعیتی متفاوت در موضوع تناسخ‌باوری آشنا کنم. حقیقت این است که امروزه نحوه رودررویی انسان مسلمان (یا مسیحی یا زرتشتی یا متدینان به هر کدام از غیر تناسخ‌باور) با مسئله تناسخ، بسیار متفاوت‌تر از گذشته است. تفاوت این مواجهه نسبت به یکصد سال پیش، از دو جهت است: یکی، تغییر ویژگی‌های معرفت‌شناختی و روان‌شناختی حاکم بر انسان عصر جدید و دیگری، تغییر و تحول در نحوه طرح مسئله، از مسئله‌ای عقلی، به مسئله‌ای تجربی، روان‌شناختی، و تا حدودی کاردکردگرایانه.

در دنیای جدید، شاید به سبب غلبه رویکرد تجربی (پسینی) به جای رویکرد عقلی - استدلالی صرف (بشینی)، انسان‌ها به جای آنکه بنشینند و به دلایل فیلسوفانه در باب عدم امکان تناسخ بیندیشند، یا به استدلال‌های متکلمان و الاهی‌دانان در خصوص تعارض آیات و روایات با تناسخ گوش بسپارند، بیشتر مایلند دل به گزارش‌هایی بدهند که از تجربه‌های تناسخی در این گوشه و آن گوشه جهان حکایت می‌کند - و البته عمدتاً مبتنی بر شهادت شخصی گزارش‌دهندگان یا بدون سند است، و با ذکر نتایج و فرایدهایی که ادعا می‌کنند در باور به تناسخ وجود دارد، نیز تقویت می‌شود. این تا حدودی به آن سبب است که در قرن‌های اخیر، معرفت تجربی، به حق یا نابه‌حق، از اصالت و اولویت معرفت‌شناختی بیشتری نسبت به معرفت عقلی، شهودی و معرفت نقلی صرف برخوردار شده است؛ علاوه بر این، انسان این روزگار بیش از آنکه حقیقت‌گرا باشد، کاردکردگرا، فایده‌اندیش و نتیجه‌نگر شده است، و این سبب می‌شود تا فواید آثار نظری و عملی را که ادعا می‌کنند در باور به تناسخ هست جست‌وجو کند.

از طرفی، عاطفه گرایی انسان مدرن، حتی در باورهای مردمان نیز دخالت می‌کند؛ یعنی اینکه مثلاً به جای آنکه ببینند تناسخ عقلاً درست است یا نه، می‌پرسند، آیا اگر تناسخ رخ دهد و انسان بار دیگر فرصت زندگی پیدا کند، عادلانه‌تر، بهتر و یا جالب‌تر نخواهد بود؟^۱

از دیگر سو، کسانی که امروزه مسئله تناسخ را مطرح می‌کنند، با گزارش دادن از موارد متعدد و متفاوتی که ادعا می‌کنند مصادیقی از رخداد تناسخ در مناطق مختلف جغرافیایی و فرهنگی است، دو کار می‌کنند: یکی باورپذیرتر کردن تناسخ؛ و دیگری، استفاده کاربردی از باور به تناسخ برای حل برخی مسائل روحی و روانی، همچون غم از دست دادن عزیزان، ناهنجاری‌های رفتاری غیر قابل توجیه در کودکان، توجیه مشابیه‌های خلقی و خلقی افراطی، تحلیل برخی احوال و وضعیت‌های روحی غیر عادی، مانند تله پاتی، اجال از گذشته و آینده و ... بنابراین، باید پذیرفت که رویکردهای قدیمی در باره مسئله‌ای مانند این، کارآمدی کافی ندارد، و ضروری است تا با رویکردی متناسب بار دیگر موضوع تناسخ بررسی شود. این گونه بود که نگارنده این سطور با مطالعاتی که در باره ادیان شرقی، و به ویژه ادیان هندی، و به طور اخص آیین هندو، که یکی از حوزه‌های مهم و بلکه مهم‌ترین حوزه تناسخ‌باوری است، داشت، و نیز با توجه به آشنایی‌اش با منابع روایی و کلامی و فلسفی اسلامی، دست به این جستار یازید تا شاید پاسخی محققانه و درعین حال، درخور و متناسب با نیاز جامعه امروزی فراهم آورد.

به احتمال خوانندگان این نوشتار با مطالعه نخستین صفحات متوجه خواهند شد که تناسخ‌باوری تنوعی بیش از آنچه معمولاً در کتب

۱. برخی از جذابیت‌های تناسخ‌باوری را، که می‌تواند انگیزش روانی نسبتاً زیادی برای پذیرش این باور را در ذهن انسان ایجاد کند، در مقدمه این جستار خواهیم خواند.

کلامی و فلسفی مطرح می‌شود دارد. فکرت تناسخ در همه ادیان و مکاتب و مذاهب تناسخ‌باور به یک گونه نیست، و بنابراین، نباید و منطقاً نمی‌توان، بدون در نظر گرفتن این تنوعات، در باره همه آنها به سادگی و به یک‌سان قضاوت کرد. بر این اساس، نگارنده این سطور لازم دید ابتدا صورت‌ها و اقسام تناسخ‌باوری در جهان ادیان و مذاهب را به ملاحظات مختلف گونه‌شناسی و دسته‌بندی کند. حاصل این گونه‌شناسی روشن شدن حقیقتی مهم و مغفول‌مانده در باره تناسخ و تناسخ‌باوری بوده است؛ و آن اینکه بسیاری از اشکالات و ایراداتی که بر تناسخ می‌گیرند، فقط به برخی از گونه‌ها و اقسام تناسخ‌باوری وارد می‌آید، و نتیجه‌گیری‌های کلی و عمومی که معمولاً از این ایرادها می‌کنند، فاقد اعتبار است.

در ادامه این روند نگارنده لازم دیده است تا موافقان تناسخ‌باوری را معرفی کرده، و زمینه‌های این نوع اندیشه آنها را توضیح دهد، تا به این وسیله بتوان دیدگاه آنان در باره تناسخ را از چارچوب منظومه معرفتی خود آنها مورد بررسی و نقد قرار داد؛ روشی که در نقادی باورها و اندیشه‌های دینی ضروری است، اما معمولاً در نوشته‌هایی که در باره تناسخ می‌نویسند از آن غفلت می‌کنند. در همین روند، مخالفان باور به تناسخ را نیز به اجمال معرفی نموده است.

پس از آن، دلایل تناسخ‌باوری را از دیرباز تا اکنون برشمرده و آنها را با رویکردی نه الزاماً فلسفی، بلکه از منظر عقل عرفی - که به گمان، انسان معاصر بیشتر از این زاویه به موضوع نظر دارد - بررسی کرده است. (این کار از آن جهت لازم بوده که رویکردهای فلسفی و کلامی رایج، بر مبانی معرفتی و نظریه‌های فلسفی و کلامی متعددی تکیه دارد که اذهان عرفی، به‌ویژه مردم این عصر، از آنها دور و بی‌خبر است، یا اگر هم با تکلف بسیار برایشان واگو کنی، به‌سختی می‌توانند با تو همدل شوند.) آن‌گاه، دلایل

مخالفان تناسخ را نیز مطرح و با همان رویکرد پیش گفته مورد نقادی قرار داده است.

این جستار از این رهگذر به نتایج و داده‌های مهم و ارزنده‌ای دست یافته است که می‌توان همین جا به بخشی آنها اشاره کرد، باشد تا خوانندگان کم‌حوصله‌تر را زودتر به نتیجه برساند:

۱. رویکردی که در عصر ما به تناسخ هست، برخلاف گذشته، عمدتاً تجربی است، یعنی به جای آنکه با تکیه بر استدلال‌های عقلی و یا نقلی بخواهد تناسخ را اثبات کند، به ارائه وقایع و رخدادهایی که مدعیند مصداق تناسخ است می‌پردازد و از تکثیر این موارد، مخاطب خود را کم‌کم به پذیرش این نظریه قانع می‌کند که تناسخ اگر یک قاعده نباشد، دست‌کم یک استثنا هست و لااقل در مواردی رخ می‌دهد. (این حقیقت اقتضا می‌کند که دست‌اندرکاران تبیین و دفاع از باورهای دینی به صرف اینکه در کتب الهامی و فلسفی تناسخ را رد کرده‌اند، نخواهند این تجارب و شواهد ادعایی را نادیده بگیرند، یا گمان نکنند می‌شود با همان دلایل انتزاعی و مبانی فلسفی خاص به رد و انکار این فکر اقدام کرد و موفق بود.)

۲. تناسخ و تناسخ‌باوری گونه‌ها و اقسام متفاوتی دارد که نمی‌توان در باره همه آنها با ساده‌اندیشی به یک‌سان حکم کرد.

۳. برای انسان امروز، که بیشتر تجربه‌گرا و عاطفه‌اندیش است، هیچ دلیل عقلی و نقلی قانع‌کننده‌ای بر علیه تناسخ وجود ندارد. دلایلی که هست، یا آن قدر انتزاعی و فلسفی است که ذهن تجربت‌اندیش انسان امروز آنها را بر نمی‌تابد، یا برخی از آن دلایل منطقاً تمام نیست، یا اگر هم هست، بر اساس مبانی معرفت‌شناسانه‌ای بنا شده است که بسیاری از مخاطبان، آن مبانی را نپذیرفته‌اند یا نمی‌خواهند بپذیرند.

۴. از طرف دیگر، دلایل موافقان تناسخ نیز، اگرچه به سبب تکیه بر موارد و مصادیق تجربی، قانع‌کننده‌تر به نظر می‌رسد، اما هیچ‌یک به لحاظ منطقی تمام نیست، و بلکه عموماً، چه دلایل عقلی، چه نقلی و چه تجربی، می‌تواند به سادگی از سوی متکلمان و فیلسوفان نقد شود.
۵. اگرچه در قرآن و روایات شاهد و دلیلی که مستقیماً و به‌طور کلی و همه‌جانبه تناسخ ارواح را رد کرده باشد وجود ندارد، و اگر هست، چنان نیست که بتوان با تکیه به آنها همهٔ انواع تناسخ‌باوری را از دید اسلام مردود دانست، اما با قاطعیت می‌توان گفت که بیشتر انواع تناسخ‌باوری با نظام معرفتی و اخلاقی اسلام - به‌طور کلی و اجمالی - و با نظام آخرت‌شناختی قرآن و اسلام (یعنی باور به معاد و آخرت) به‌طور خاص، و نیز با نظام انسان‌شناختی اسلام - به‌طور اخص و مشخص - وفاق ندارد.
۶. علاوه بر این، روایاتی در دست است که از آنها برمی‌آید که اولیای دین علیهم‌السلام برخی گونه‌های تناسخ‌باوری را به سبب آثار نامطلوب عملی و اخلاقی که می‌تواند داشته باشد نهی کرده‌اند. از جمله اینکه تناسخ‌باوری می‌تواند انسان‌ها را به این امید و وسوسه سازد که همواره فرصت‌های مکرری برای جبران خطاها در اختیار دارند و در نتیجه، این طرز فکر می‌تواند به تقویت و ترویج روحیه اباحی‌گری و غفلت مدد رساند.
۷. بنابراین، یک مسلمان معتقد به مبانی معرفتی اسلام، نمی‌تواند نظریهٔ تناسخ را به‌عنوان باوری کلی و همچون یک قاعده در موضوع سرنوشت انسان پس از مرگ بپذیرد و ترویج کند.
۸. در عین حال، پذیرش وقوع موردی و استثنایی بازگشت برخی ارواح، اما نه در قالبی نو و از طریق تولد در بدنی دیگر (یعنی همان چیزی که

اصطلاحاً به آن تناسخ می‌گویند)، بلکه در همان بدن سابق و با همان هویت شخصی پیشین، با مبانی معرفتی اسلام ناسازگار نیست، و بلکه قرآن با مطرح کردن اندیشه «رجعت» وقوع این بازگشت را به‌طور موردی و استثنایی مطرح کرده است. اما، خواهیم گفت که آموزه رجعت، در عین مشابهت با تناسخ، ماهیتاً با آن متفاوت است.^۱

۹. از طرفی، شواهد و موارد تجربی ادعا شده بر وقوع تناسخ نیز به گونه‌ای نیست که بتواند به نحو علمی و منطقی بر رخداد تناسخ به عنوان یک قاعده کلی در سرنوشت روح پس از مرگ دلالت کند؛ چرا که دلالتی که محکم‌ترین این شواهد و تجارب می‌تواند داشته باشد، وقوع موردی از تناسخ در تاریخ است.

آنچه در نهایت باید اذعان کرد این است که این نتایج، حاصل تحقیقی علمی در باره تناسخ و نسبت آن با اسلام (نظام معرفتی قرآن و روایات) است، اما اینکه در واقع نیز این نتایج درست باشد یا نه، علم آن نزد خدا و رسول و آل او (علیهم‌صلوات‌الله) است.

۱. بعد از این به تفاوت میان رجعت و تناسخ اصطلاحی خواهیم پرداخت.